سیاست جنایی در جرائم اقتصادی

جعفر کوشا [۱]
محمدرضا دهقانی سانیج [۲]

تاریخ دریافت:۹۶/۶/۲
تاریخ پذیرش:۹۶/۹/۷

چکیده:

در حال حاضر اقتصاد به عنوان قدرت هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. بگونه‌ای که هر اجتماعی با تکیه بر پایه‌های نظام اقتصادی قدرتمند می‌تواند از لحاظ سیاسی مطرح و با ثبات بماند و به عبارتی هر کشوری با روی آوردن به اقتصاد محکم و استوار می‌تواند در جهت دستیابی به یک نظام با صلابت تبدیل گردد. اقتصاد در زندگی افراد جامعه، نقش بی‌بدیلی را ایفا می‌کند و به دلیل برخورد مستقیم با زندگی مردم، یکی از ارکان اساسی هر جامعه بوده و به هیچ عنوان نمی‌توان آن‌را نادیده گرفت. در هر کشوری برای اعمال قوانین کیفری و پیشگیری از جرائم اقتصادی و بزهکاری و نیز درمانٍ واصلاح بزهکاران و موضوعات مشابه، رویه‌های متفاوتی وجود دارد، که مخصوص آن کشور بوده و معمولاً محصول اراده جمعی آن کشور می‌باشد. اقدامات و روش‌هایی که در راستای امور فوق در هر کشوری اتخاذ و اعمال می‌شود، سیاست جنایی آن کشور را تشکیل می‌دهد. هدف از سیاست جنایی در حقوق اقتصاد مبارزه با فساد و جرائم اقتصادی است. فساد اقتصادی به متمرکز کردن ثروت‌ها گرایش دارد و نه فقط شکاف میان غنی و فقیر را افزایش می‌دهد بلکه برای مرفه‌هان، ابزارهای نامشروع حفاظت از موقعیت و منافعشان را تأمین می‌کند. فساد اقتصادی شرایطی را فراهم می‌نماید که در سایه آن، دیگر انواع جرائم تسهیل می‌یابند. بدون شک برقراری و حفظ نظم اقتصادی در گرو مبارزه با اخلال‌گران در نظام اقتصادی و مجرمین اقتصادی است. مبارزه با جرائم اقتصادی هم موجب برقراری نظم اقتصادی می‌شود و هم از آثار و تبعات مضر اختلال در اقتصاد کشور جلوگیری می‌کند. با توجه به اینکه ایران جزء یکی از فساد پذیرترین کشورهای دنیاست. با مشخص شدن آثار مخرب و انکارناپذیر فساد اقتصادی در رسیدن به توسعه پایدار و عدالت اجتماعی، مبارزه و کنترل این پدیده شوم، بایستی یک سیاست جنایی متناسب با آن وضع نمود.

کلمات کلیدی: سیاست جنایی، جرائم اقتصادی، جرم، قانون

۱- دکتری حقوق، استاد دانشگاه شهید بهشتی، نویسنده مسئول رایانامه: j_kousha@sbu.ac.ir
۲- دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

مقدمه

زندگی اجتماعی انسان تحت حاکمیت قواعد و هنجارهای اجتماعی است. اگر ما از قواعدی که انواع رفتار را در زمینه‌های معینی به عنوان رفتارهای مناسب و رفتارهای دیگری را به عنوان رفتارهای نامناسب تعریف می‌کنند، پیروی نمی‌کردیم، فعالیت‌هایمان دستخوش هرج و مرج می‌گردید. از سوی دیگر زندگی اجتماعی انسان با پدیده‌های اجتماعی نمود می‌یابد. پدیده‌های اجتماعی در واقع واقعیت‌هایی هستند که جزء ذاتی زندگی اجتماعی بشر می‌باشند. سیاست جنایی در مفهوم مضیق خود مشتمل بر روش‌های سرکوب جرم و واکنش کیفری در قبال پدیده مجرمانه (قیاسی، ۱۳۸۵، ص ۳۸) و در مفهوم موّسع ناظر به اتخاذ تـدابیر قانونی، جرایی و قضایی در قبال این پدیده بوده که علاوه بر سرکوب و واکنش کیفری متضمن مؤلفه‌هایی چون علت‌یابی، رمزیابی، سازمان دهی و تجزیه و تحلیل واقع گرایانه بزهکاری است (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۲۸)

اقتصاد کشور نبض تپنده و قدرت هر جامعه است، بگونه‌ای که هر اجتماعی با تکیه بر پایه‌های نظام اقتصادی قدرتمند می‌تواند از لحاظ سیاسی مطرح و با ثبات بماند و به عبارتی هر کشوری با روی آوردن به اقتصاد محکم و استوار می‌تواند در جهت دستیابی به یک نظام با صلابت تبدیل گردد. اهمیت تحقیق درباره سیاست‌های جنایی در حقوق اقتصادی و مفاسدی که نظام اقتصادی را دچار بحران و اختلال می‌نماید، بالاخص در دوران کنونی برای همه دانش پژوهان مهم و ضروری است چرا که استحکام تمام بنیان‌ها، سیستم‌ها و نظام‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی براقتصاد کشور استوار می‌گردد. به عبارت دیگر استخوان بندی و اسکلت همه نظام‌های اجتماعی و سیاسی بر پایه اقتصاد کشور متکی است (کریمی، ۱۳۸۵، ص ۴۵) بنابراین هر گونه تزلزل و بی عدالتی که در آن رسوخ نماید تمام ارکان جامعه را متأثر خواهد نمود. بدیهی است عدم وجود تشکیلات سازمان یافته و برنامه ریزی و وجود مشکلات عدیده و گاه سیاست‌های غلط اقتصادی و صدها عامل ناشناخته دیگر دست به دست هم داده و اقتصاد ما را بسان کلاف پیچیده‌ای نابسامان نموده است.

برای صیانت و حمایت از نظام اقتصادی بایستی برنامه‌ریزی‌های دقیق و علمی برای کوتاه مدت و دراز مدت، هم از جهت اقتصادی و هم از لحاظ حقوقی صورت گیرد. بنابراین اولین حامی نظام اقتصادی خود علم اقتصاد و آخرین حامی آن حقوق جزا می‌تواند باشد. تدبر و چاره اندیشی اصولی سیستم تقنینی جامعه در قالب شناسایی و جرم انگاری اعمال مذکور به عنوان اولین قدم در راه مبارزهٔ کیفری نقش تعیین کننده‌ای در موفقیت جامعه در قبال این جرائم دارد؛ لیکن تعدد نهادهای قانون گذار و منابع قانونی، مسامحه در تدوین قوانین و جرم انگاری و ... حکایت از کاستی‌هایی در حوزهٔ سیاست جنایی ما در قبال مفاسد اقتصادی دارد. آثار سوئی که از مفاسد اقتصادی ایجاد می‌شود، اقتضاء می‌نماید که یک سیاست جنائی معقول و منطقی برای مبارزه با این نوع مفاسد، پیش‌بینی شود. ایران در مقایسه با کشورهای دیگر و از دیدگاه بین‌المللی در رتبه‌های بالای فساد قرار دارد بر اساس بررسی‌های موجود، ایران جزء فساد پذیرترین کشورهای دنیاست. با مشخص شدن آثار مخرب و انکارناپذیر فساد اقتصادی در رسیدن به توسعه پایدار و عدالت اجتماعی، مبارزه و کنترل این پدیده شوم، بایستی به اولویت اساسی برنامه‌های دولت، تبدیل شود. در برخورد با

جرائم اقتصادی بایستی با حساسیت‌های خاص و بدون شعارگرایی در قوه قضائیه تعقیب شود. مسلماً تدوین لوایح قضایی مناسب در این قلمرو همانند سایر قلمروهای حقوقی از وظایف قوه قضائیه بوده و این قوه نبایستی در مبارزه با جرائم اقتصادی تحت تأثیر نگاه‌های سیاسی و اجرایی غیر قضایی قرار بگیرد. مسلماً برخورد شایسته قانونی، تضمینی جهت اقتصاد سالم و جلوگیری از فرار سرمایه خواهد بود.

❐ معانی و مفهوم سیاست جنایی

الف) تعریف سیاست

اصطلاح سیاست به تنهایی معانی متعددی دارد. در یک معنی سیاست، یعنی اصول اداره کشور در شئون مختلف آن. سیاست به طور مختصرو ساده عبارت است از درک، تدبر و اداره مسائل وامور جامعه. به طور کلی، اتخاذ راهکارها و روش‌های مربوط به انجام و اعمال یک تصمیم را می‌توان سیاست نامید که بسته به مورد آن، انواع متفاوت سیاست مطرح خواهد شد (تسلیمی، ۱۳۸۶، ص ۵۲) به عنوان مثال: اگر شیوه‌های اعمال کیفردر کشوری خاص مد نظر باشد، موضوع مربوط به سیاست کیفری است و اگر مسائل اقتصادی در میان باشد، سخن از سیاست اقتصادی است.

ب) معنای لغوی سیاست جنایی

واژه سیاست به معنای تدبیر و تدّبر و چاره اندیشی می‌باشد و در جنبه‌های گوناگون مانند «سیاست اقتصادی»، «سیاست فرهنگی» و «سیاست جنایی» به کار برده شده است. ««سیاست جنایی» ترکیبی اضافی است در مقابل ترکیب وصفی است که در فرهنگ لغات حقوقی و اجتماعی در غرب، معادل و مترادف «سیاست کیفری» به کار رفته و اصطلاح شد. (لازرژ، ۱۳۸۲، ص ۵۲)

ج) مفهوم سیاست جنایی

در هر کشوری برای اعمال قوانین کیفری و پیشگیری از بزهکاری و نیز درمان واصلاح بزهکاران و موضوعات مشابه، رویه‌های متفاوتی وجوددارد، که مخصوص آن کشور بوده و معمولاً محصول اراده جمعی آن کشور می‌باشد و در اتخاذ این رویه‌ها و شیوه‌های برخورد و کنترل امور فرهنگ عمومی و سابقه تاریخی آن کشور و مسائلی این چنین مورد توجه بوده است. اقدامات و روش‌هایی که در راستای امور فوق در هر کشوری اتخاذ و اعمال می‌شود، سیاست جنایی آن کشور را تشکیل می‌دهد. این سیاست ممکن است منظم و مدون بوده و یا غیر مدون و ناهمگون باشد. سیاست جنایی که معادل‌هایی مانند: «Politique criminalle» و یا «Criminalpolitikl،Criminal policy» دارد، به شکل و وضع کنونی، رشته مطالعاتی نسبتاً جدیدی است که با استفاده از آموزه‌های علمی به خصوص علوم جنایی، و با لحاظ اوضاع و احوال تاریخی، سعی در تدوین شیوه‌های کیفری و غیرکیفری در برخورد وکنترل پدیده مجرمانه دارد. می‌توان گفت، سیاست جنایی در کشورهای مختلف نقش کنترل بزه کاری را برعهده دارد. به عبارت دیگر، پدیده مجرمانه را برای

مردم قابل تحمل کرده و ازمیزان جرم کاسته یا آن را ریشه کن می‌نماید. بنابراین، نبودن سیاست جنایی، سبب هرج و مرج در جامعه است. و پایه و اساس سیاست جنایی در جوامع، قانون اساسی آن‌ها می‌باشد که برجسته‌ترین خطوط آن را تعیین و تبیین می‌نماید

الف) مفهوم مضیق: جرم انگاری (incrimination) و برخورد کیفری توسط دولت با مجرمین، برجسته‌ترین شکل برخورد با جرم و مجرم می‌باشد به همین علت نخستین کاربردهای سیاست جنایی در معنایی معادل حقوق کیفری یا سیستم کیفری که مبتنی بر جرم مجازات و قانون می‌باشد بوده است همچنان که در تعریف فوئرباخ سیاست جنایی به شیوه‌های سرکوبگر، اِعمال شونده از سوی دولت و علیه جرم محدود شده است که در مقایسه با تحولات مفهوم سیاست جنایی می‌توان آن را مفهوم مضیق سیاست جنایی و یا سیاست کیفری (penalpolicy) نامید.

ب) مفهوم موسع: هر کدام از ارکان سه‌گانه مفهوم مضیق سیاست، در فرایند تحولات توسعه یافته است. فون لیست در اواخر سده نوزدهم سیاست جنایی را «مجموعه منظم اصولی که دولت و جامعه به وسیله آن‌ها مبارزه علیه بزه را سازمان می‌بخشد» (قیاسی، ۱۳۸۵، ص ۷۲) تعریف می‌کند همچنان که می‌بینیم در این تعریف در کنار دولت جامعه نیز مسئول سازماندهی و اعمال سیاست جنایی در نظر گرفته شده است و از نظر دلماس مارتی «سیاست جنایی شامل مجموعه روش‌هایی می‌شود که هیأت اجتماع با توسل به آن‌ها پاسخ‌ها را به پدیده مجرمانه سازمان می‌بخشد» که عبارت «هیأت اجتماع» علاوه بر نهادهای مختلف دولتی، جامعه مدنی را نیز در سازمان‌دهی مقابله با پدیده مجرمانه سهیم می‌گرداند (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۳۹) بنابراین امروزه در مفهوم موسع «سیاست جنایی عبارتست از کلیه تدابیر و اقدام‌های پیشگیرانه و سرکوبگرانه‌ای که توسط دولت و جامعه مدنی، جداگانه و یا با مشارکت یکدیگر، جهت پیشگیری از جرم، مبارزه با بزهکاری، اصلاح و یا سرکوب مجرم بکار برده می‌شود» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲، ص ۱۱)

❐ تعریف سیاست جنایی

الف) تعریف سیاست جنایی در بعد خارجی

سیاست جنایی شامل "مجموعه شیوه‌های سرکوبگری می‌شودکه دولت از طریق آن‌ها و با توسل به آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد" در این دیدگاه، سیاست جنایی مترادف با سیاست کیفری بوده وبا لحاظ نمودن تدابیر قهرآمیز دولتی در قبال جرم، به اقدامات پیشگیرانه در درمان و اصلاح مجرمین توجهی ندارد. بنابراین سیاست جنایی، سیاست و برنامه خاص در زمینه کنترل بزهکاری، از طریق سرکوبی محض و یا همراه با اقدام‌ها و تدابیر خاص پیشگیرانه از بزهکاری است (طیاری، ۱۳۸۲، ص ۹۰).

ب) تعریف سیاست جنایی در بعد داخلی

پس از تحولات سیاست جنایی در ممالک غربی، ازحدود هفتاد سال قبل در ایران نیز توجه به اصطلاح سیاست جنایی رواج نسبی یافت و تقریباً مشابه با غرب به تکامل کنونی رسید. تعیین وسایل

مبارزه با وقوع جرم مترادف با اتخاذ یک سیاست جنایی می‌باشد یا در تعریفی دیگر"سیاست جنایی شامل مجموعه روش‌هایی می‌شود که هیأت اجتماع با توسل به آن‌ها پاسخ‌های به پدیده مجرمانه را سازمان می‌بخشد" (گنس، ۱۳۸۸، ص ۸۲). از آنچه گفته شد، مشخص می‌گردد که در ایران نیز اصطلاح سیاست جنایی در ابتدا مفهوم مضیق داشته و تقریباً مترادف با سیاست کیفری بوده، لیکن به مرور مفهوم موسع خود را یافته است.

❐ اقسام سیاست‌های جنایی

الف) سیاست جنایی تقنینی

«مجموعه قواعد و مقررات و به طور کلی قانون به عنوان نماینده و نمودی از تدابیر و تفکرات، تبیین‌کننده اصول و مبانی اهداف سیاست جنایی می‌باشد. البته قانون مهم‌ترین منبع یک سیاست جنایی مطلوب نیز محسوب می‌شود. قانون بیانگر اندیشه‌ها و تدابیر، روش‌ها، اصول و مبانی سیاست جنایی یک کشور در مقابله با جرم و انحرافات اجتماعی است که باید آن‌را برگرفته از تمایلات، هنجارها و ارزش‌های یک جامعه دانست.» (طیاری، ۱۳۸۲، ص ۱۲۲). سیاست جنایی تقنینی اعم است از اقدامات سرکوبگر و اقدامات پیشگیرانه. ابزار اقدامات سرکوبگر همان توسل به تدابیر کیفری و مجازات است ولی ابزار اقدامات پیشگیرانه، تدابیری غیرکیفری است و مبتنی بر اجتماع نهادهای مدنی است که هر دو اقدام به منظور کنترل پدیده کیفری اعمال می‌شوند.

ب) سیاست جنایی قضایی

«سیاست جنایی قضایی» یعنی آن سیاست جنایی که در تصمیم و عملکرد دادگاه‌های دادگستری منعکس است. پس از آن‌که قانون‌گذار سیاست جنایی خود را در قالب قوانین و مقررات پیاده کرد این قوانین و پیام‌های قانون‌گذار، به صورت‌های متفاوتی درک و پذیرفته می‌شود. می‌توان گفت که «قانون به تبیین اصول و مبانی کلی نظام کیفری یک جامعه پرداخته و تفسیر و تطبیق آن را در موارد خاص به قضات محاکم واگذار نموده است. این امر یعنی روح بخشیدن به الفاظ خشک و بی روح قوانین و فعلیت بخشیدن به آن‌ها. به بیان دیگر،» سیاست جنایی قضایی یعنی سیاست جنایی تقنینی، آن طور که مورد برداشت، تفسیر و عمل قضات قرار می‌گیرد (قیاسی، ۱۳۸۵، ص ۸۸).

ج) سیاست جنایی اجرایی (دولتی)

قوای اجرایی هر مملکت یکی دیگر از مراجع اعمال سیاست جنایی است. نحوه برخورد قوه مجریه با مسئله انحراف و جرم و در واقع نحوه نظارت و اجرای قوانین قوه مقننه خود جایگاه مهمی در سیاست جنایی دارد که از آن به «سیاست جنایی اجرایی» یاد می‌شود. سیاست جنایی اجرایی، اعمال راهکارهای اساسی و مؤثر پیرامون کاهش بزهکاری در جامعه به وسیله تصویب‌نامه و آیین‌نامه‌هایی که هریک از بدنه قوه مجریه بدان عمل می‌نمایند می‌باشد (ساکی، ۱۳۹۰، ص ۲۵).

د) سیاست جنایی مشارکتی (مردمی)

با توجه به گسترش و رشد انواع بزهکاری و عدم کارایی ابزارهای نظام کیفری، مشارکت و همکاری تمامی افراد جامعه برای پیشگیری و مقابله با پدیده مجرمانه لازم است. سیاست جنایی مشارکتی یعنی «سیاست جنایی توأم با شرکت وسیع جامعه، غیر از پلیس یا قوه قضائیه به منظور اعتبار بخشیدن بیشتر به یک طرح سیاست جنایی که به وسیله قوه مجریه و مقننه تهیه و تدوین می‌شود». سیاست جنایی مشارکتی، کم‌هزینه‌ترین راه مقابله با پدیده مجرمانه است. در واقع شرکت دادن مردم در سیاست جنایی به این معناست که، پیشگیری و سرکوب بزهکاری از جمله اموری هستند که به همه افراد جامعه مربوط می‌شوند و اگر امر سرکوبی جرم را مرتبط با همه افراد جامعه بدانیم، خواهیم پذیرفت که تجربه‌های پیشگیری و سرکوبی نه تنها در تضاد با یکدیگر نیستند بلکه مکمل یکدیگرند «و نهادهای سرکوب‌گر مثل پلیس با شرکت مردم در سیاست جنایی دیگر انحصار سرکوبی و مجازات کردن را در اختیار ندارند و به علاوه این نهادها امروزه پیش‌گیرنده از بزهکاری نیز می‌باشند.» (تاج زمان، ۱۳۷۲، ص ۳۵).

❐ مراجع سیاست گذاری جنایی در مبارزه با جرائم اقتصادی

الف) مجلس شورای اسلامی

تنها مرجع صالح به قانونگذاری در عموم مسائل است که در حوزه مبارزه با جرائم اقتصادی نیز به این مهم اقدام کرده است که عملکرد آن یا در قالب موادی از قوانین مختلف مانند: ورشکستگی به تقصیر یا تقلب موضوع ماده ۵۴۱ و ۵۴۹ قانون تجارت و مواد ۶۷۰ و ۶۷۲ ق.م.آ، تبانی در معاملات دولتی موضوع ماده ۵۹۹ ق.م.آ، رشاء و ارتشاء در مورد داوران، ممیزان و کارشناسان موضوع ماده ۵۸۸ ق.م.آ و... و یا به صورت قوانینی مستقل مانند: قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۱، قانون مبارزه با پول شویی ۱۳۸۶، قانون ممنوعیت اخذ پورسانت ۱۳۷۲ تجلی یافته است. در جوامع دارای نظام حقوقی مدون، مرسوم آن است که وضع قوانین و مقررات به مجالس قانون گذاری تفویض می‌شود و قانون گذاری از جانب سایر مراجع اساساً یا منع شده یا اینکه جنبهٔ کاملاً استثنایی دارد.

ب) مجمع تشخیص مصلحت نظام

به موجب اصل ۱۱۲ قانون اساسی مجمع تشخیص مصلحت نظام، برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و یا مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و نیز سایر وظایفی که در قانون اساسی ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود. با این وجود، مجمع در امور کیفری به دو صورت مبادرت به وضع قانون کرده است؛ دسته اول قوانینی که بعد از حدوث اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان در مجمع تصویب شده است، مانند قانون اختیارات و وظایف وزیر دادگستری و... دسته دوم، قوانین تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری کیفری که رأساً و بدون وجود سابقه قانون گذاری در مجلس، در مجمع (بالغ بر ۲۰ عنوان) تصویب شده است. (حبیب زاده، ۱۳۸۳) که به جرئت می‌توان گفت که

عمده قوانین کیفری پس از انقلاب که در مقابله با مصادیق جرائم اقتصادی تصویب شده‌اند مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام هستند؛ مانند: قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز، قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان، توزیع کنندگان مصرف کنندگان اسکناس مجعول (نورزاد، ۱۳۸۹، ص ۲۳۹).

ج) قوه مجریه

تصویب نامه هیئت وزیران در مورد تعیین حدود و مقررات استفاده از ارز و.... ۱) آیین‌نامه اجرایی قانون نحوهٔ اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب. ۲) آیین نامه اجرایی ماده ۳۱ قانون تأسیس سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی. ۳) آیین نامه اجرایی کمیسیون امور جنگل و جنگل نشینان شورای کشاورزی و امور روستایی. ۴) تصویب نامه هیئت وزیران در مورد تشکیل ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازارمصوب. قوه مجریه از طریق کمیسیون امنیت نیز در بعضی موارد سیاست گذاری در امور امنیت کشور و یا تصمیم گیری در خصوص سیاست جنایی در موارد خاص می‌نماید. ۵)

د) قوه قضاییه

مستفاد از اصل ۸۵ و بند ۳ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، این قوه (قضاییه) فاقد صلاحیت قانون گذاری است، و نمی‌تواند اقدام به قانون گذاری کند؛ لیکن برای انجام امور داخلی خود می‌تواند بخش‌نامه یا دستورالعملی در راستای انجام وظایف قانونی محوله و در قالب قوانین مصوب مجلس تدوین کند؛ لیکن این موارد هیچ گاه نباید صفت قانون به خود گرفته و یا حتی از آن عدول نماید. با این حال تجربه عملی قوه قضاییه بعضاً نشان دهندهٔ این است که در مقابله با جرائم اقتصادی دست به اقداماتی زده است که در قانون پیش بینی نشده است. صدور دو دستورالعمل برای رسیدگی به جرائم اقتصادی و بنیان گذاشتن شعب اختصاصی با عنوان مجتمع امور اقتصادی از سیاست گذاری‌های قوه قضاییه است که در خلاء قانون و در تأیید موارد فوق صورت گرفته است؛ لیکن دادن عنوان دستورالعمل برای رسیدگی‌های مجتمع امور اقتصادی نوعی نگارش آیین دادرسی است که در صلاحیت که بدون توجه به این مهم نسبت به تصویب، ابلاغ قانون گذار است و اجرای آن اقدام شده است (نورزاد، ۱۳۸۹، ص ۲۴۸).

❐ ارتباط نظام اقتصادی و نظام کیفری

الف) تأثیر اقتصاد بر بزهکاری

فقر از قدیمی‌ترین عوامل شناخته شده بزهکاری است. در قرون متمادی مسأله فقر و اختلافات طبقاتی مورد توجه و بحث محافل علمی و فلسفی بوده است. راه حل ارائه شده اکثر فلاسفه و اندیشمندان، زدودن فقر و تعدیل ثروت و به تبع آن کم کردن فاصله طبقاتی و بهبود وضع معیشت طبقات فقر بوده است. تأثیر بزرگی در بهبودی اخلاق ملل دارد. روح خشونت و وحشی‌گری را

«دادوستد» «تجارت» «منتسکیو» «معتقد است تعدیل می‌نماید، به طوری که در هر جا رواج دارد، اخلاق مردم آنجا ملایم است، اگر دیده می‌شود اخلاق ما امروز خیلی ملایم‌تر از اخلاق نیاکان ما می‌باشد و ما آن خشونت و سبعیت را نداریم برای آن است که تجارت اخلاق ما را تعدیل نموده زیرا بازرگانی سبب می‌شود اقوام و ملل مختلف با یکدیگر آمیزش کنند و به اخلاق و روحیات یکدیگر پی برند و به این طریق تبانی اخلاقی و اختلافات زندگی که در آغاز خیلی غیر مأنوس می‌باشد از بین می‌رود. سپس بازرگانی هم مهذب اخلاق و هم مفسد آن است؛ زیرا در عین حالی که در اثر آمیزش موجب تهذیب اخلاقی ملل وحشی است، باعث فساد اخلاقی ملل مهذب می‌شود (هاشمی، ۱۳۸۴، ص ۱۴) بنابراین همان گونه که داد و ستد و رونق اقتصادی نقش مهمی در جلوگیری از بزهکاری دارد و به خاطر نیاز جوامع به دیگری و حتی افراد به همدیگر مانع وقوع بزهکاری می‌شود، در مقابل با فاسد شدن اخلاق ملل مهذب موجب وقوع بزهکاری می‌گرد.

ب) تأثیر نظام کیفری بر نظام اقتصادی

با توجه به اینکه نظام کیفری به دنبال ارعاب وسرکوبی عوامل سازنده بزهکاری است وهدف اصلی نظام کیفری، عکس العمل جامعه در مقابل متجاوزان و متخلفان است باید گفت که نظام کیفری می‌بایست شرایط و معیارهای اعمال کیفر را رعایت نموده تا به هدف نهایی خود که همان سرکوبی و ارعاب است نائل آید.

۱) هدف نظام کیفری بر نظام اقتصادی

بر اساس یک تفکر تاریخی و کهن، هنوز هم اساس و پایه نظام کیفری بر ارعاب و سرکوب استوار است. به عبارت دیگر، هدف غایی و مستمر اعمال مجازات از آغاز تا کنون ارعاب و سرکوبی اعمال و تجاوزات علیه جامعه بوده فلاسفه و جامعه شناسان بسیاری معتقدند که نباید تصور ارعاب، مکافات و سرزنش را از مجازات زدود، و در همین رابطه با تصمیم مبنی بر اصلاح مجرم که دفاع اجتماعی بر اساس خطرناکی ناشی از شرایط زیست شناختی، روان شناختی و فرهنگی بزه کار توصیه کرده است مخالف‌اند. این بازگشت و احیای جریان «مجازات»«سزادهی- ارعابی» را می‌توان امروزه در اروپا و امریکای شمالی بار دیگر مشاهده کرد (پردال، ۱۳۸۱، ص ۱۱۵) هر چند هنوز هم مجازات به عنوان یکی از پایه‌ها و بنیان‌های عدالت کیفری باقی مانده است، در مورد بازدهی و کارآیی اعمال مجازات‌ها اطلاعات قابل اعتمادی وجود ندارد، زیرا عوامل متعددی در ارتکاب جرم دخالت دارند که تعیین سهم و نقش هر کدام، کار بسیار مشکل و چه بسا غیر ممکنی باشد. لیکن تحقیقات انجام شده در این زمینه، هر چند خالی از ابهام نبوده، به نتایج امیدوار کننده قابل توجهی نیز دست پیدا نکرده است. بنابراین تقریباً آشکار است که نقش و وصف سزادهی- ارعابی مجازات هنوز هم کماکان به قوت خود باقی است.

۲) نظام کیفری، آخرین حربه مقابله با بزهکاری نوین اقتصادی

یک سیاست جنایی مطلوب بایستی در کنار توجه به بزهکار و واکنش اجتماعی علیه بزه، به نفس مسأله بزهکاری نیز توجه نماید، زیرا روند صعودی و تصاعدی افزایش بزهکاری و به ویژه انواع نوین آن، انتقادی است که نظام اصلاحی کیفر را به طرز شدیدی تهدید می‌نماید، به شکلی که بازدهی و کارآیی سیاست جنایی دفاع اجتماعی شدیداً زیر سؤال رفته است. افزایش تصاعدی کم و کیف بزهکاری‌های نوین، اعم از جرائم خشونت آمیز، بزهکاری اقتصادی و مواد مخدر، حیثیت جنبش اصلاح کیفر را خدشه دار نموده است. جرائم اقتصادی به نسبت توسعه صنعتی از پیچیدگی فزاینده‌ای برخوردار شده‌اند؛ به شکلی که از آغاز سده اخیر حقوق کیفری اقتصادی توسعه گسترده‌ای یافته است. بنابراین نظام کیفری به عنوان اقدامی که تأثیر آن در ممانعت از بزهکاری اقتصادی به اندازه سیاست جنایی اصلاح کیفر مشکوک نبوده، آخرین حربه ممکن در جهت جلوگیری از بزهکاری اقتصادی است که در آخرین مرحله سیاست تقنینی قرار گرفته است که حداقل بهره آن به عنوان یک ضربه تند کوتاه و سریع غیر قابل انکار است (هاشمی، ۱۳۸۴، ص ۲۴)

❐ اخلال در نظام اقتصادی کشور

اخلال در نظام اقتصادی کشور شامل هفت عنوان کلی مجرمانه شامل اخلال در نظام پولی و ارزی کشور، اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی، اخلال در نظام تولیدی کشور، قاچاق میراث فرهنگی یا ثروت‌های ملی، تشکیل شرکت‌های مضاربه ای صوری، اخلال در نظام صادراتی کشور و تشکیل شرکت‌های هرمی است (مهدی پور، ۱۳۹۲، ص ۲۵).

❐ عنصر ضرر در جرائم اقتصادی

یکی از شرایط تحقق جرائم اقتصادی ایجاد ضرر و زیان به افراد جامعه است. در صورت عدم تحقق این شرط جرم اقتصادی محقق نشده است. البته این ضرر و زیان گاهی بالفعل است مثل ضررهایی که از گران فروشی، احتکار، ربا، قاچاق کالا، استفاده از اسناد و نوشته‌های مجعول به جامعه وارد می‌شود، و گاهی بالقوه خواهد بود، مثل جعل اسکناس یا سکه یا اسناد. با توجه به اینکه هر نوع جرمی ماهیتاً در بردارنده نوعی ضرر و زیانی خواه مادی و خواه معنوی به فرد یا افراد جامعه می‌باشد، و اصولاً جرم انگاری نسبت به فعل یا ترک فعل توسط قانونگذار ناشی از این است که این عمل برای امنیت جامعه و یا عدالتی که باید در جامعه افراد از آن برخوردار باشند مضر است، تصریح به عنصر ضرر در جرائم اقتصادی به این علت است که این گونه جرائم از نظر اقتصادی نظم اجتماعی جامعه را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و آثار آنی آن در جامعه از ضررهای جرائم دیگر بیشتر و ملموس‌تر است و از طرف دیگر غالباً مرتکبین جرائم اقتصادی با انگیزه‌های مالی و مادی اقدام به این گونه اعمال مجرمانه نموده و تأثیر اعمال آن‌ها گاهی تمام جامعه یا بخش قابل توجهی از آن را تحت الشعاع قرار می‌دهد. بنابراین جرم انگاری در این گونه اعمال صرفاً جهت جلوگیری از ضررهای ناشی از آن است، چنانچه این اعمال دربردارنده ضرری نباشد نمی‌تواند در جرگه این جرائم محسوب شود (دانشور ثانی، ۱۳۸۲، ص ۲۸).

عنصر معنوی در جرائم اقتصادی

حقوقدانان برای تحقق هر جرم علاوه بر وجود عنصر مادی وجود عنصر معنوی و یا روانی را شرط می‌دانند معمولاً مرتکب عمل خلاف مقررات باید با سوء نیت و به قصد ارتکاب جرم انجام داده باشد در غیر اینصورت اعمال ارتکابی وی مشمول مقررات و مرتکب و عدم آن به دو دسته جرائم عمدی و غیرعمدی تقسیم می‌شود. در جرائم عمدی، اثبات عمد برای اعمال مجازات شرط لازم است زیرا عمد متضمن میل و تصمیم فاعل در رسیدن به نتیجه مجرمانه است (اردبیلی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۶). به عبارت دیگر وقتی عمدی بودن یک عمل مجرمانه ثابت می‌شود که مرتکب با اراده و تصمیم خود برای رسیدن به نتیجه‌ای که از عمل مجرمانه حاصل می‌شود مبادرت به آن عمل نموده باشد. نیت و قصد عنصر روانی در حقیقت یک حالت ذهنی که مرتکب باید حین وقوع بزه دارا باشد. به این حالت ذهنی می‌گویند. البته عنصر روانی درجات و حالات مختلفی دارد و تنها به یک حالت ذهنی صرف اشاره ندارد. از اهم این درجات نیت، بی تفاوتی یا بی پروایی و غفلت و اهمال است (میرمحمد صادقی، ۱۳۷۷، ص ۶۵)

❐ انواع سیاست جنایی درقبال جرائم اقتصادی

الف) سیاست جنایی درقبال قاچاق کالا و ارز

مقنن با تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ به کیفرزدایی و قضازدایی نوینی در زمینه قاچاق متوسل شده و صلاحیت انحصاری مراجع قضایی در زمینه رسیدگی به جرم قاچاق کالا را تا حدود زیادی محدود نموده است و پاسخ‌های جنایی به منظور مبارزه با پدیده قاچاق کالا را به دو مرحله اداری (ماهیتاً مالی) و قضایی تقسیم و تفکیک نموده است. مطابق ماده ۴۴ قانون مزبور رسیدگی به جرائم قاچاق کالا و ارز سازمان‌یافته حرفه‌ای، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است. سایر پرونده‌های قاچاق کالا و ارز تخلف محسوب و رسیدگی به آن در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است. فلذا بر اساس قانون مزبور اعلام و اجرای تعدادی از ضمانت اجراهای صرفاً مجازات‌های مالی با خصیصه اداری در صلاحیت مقام‌های اداری بوده که در طی یک فرایند کیفری اداری نسبت به مرتکبین این گونه جرائم تحمیل می‌شوند و اعمال تعداد دیگری از این ضمانت اجراها (مجازات‌های ترهیبی) مطلقاً در صلاحیت مقام‌های قضایی بوده، و نهادهای اداری در تعیین و اعمال آن‌ها فاقد هرگونه صلاحیت قانونی می‌باشند.

ب) سیاست جنایی در قبال احتکار

مبارزه با احتکار به عنوان یکی از مفاسدی که جامعه را از نظر اقتصادی تهدید می‌کند و موجب نوسانات پیش بینی نشده‌ای در بازار از نظر فراوانی کالا و کمبود آن و قیمت می‌گردد، و انسان‌ها را جهت تهیه مایحتاج خود به عسر وحرج وا می‌دارد و اخلال در نظام اقتصادی بوجود آورده و ناراحتی‌های روحی و روانی شدید بر افراد عارض می‌نماید و نهایتاً باعث دارا شدن به ناحق محتکرین

می‌شود، از دیر باز مد نظر حکومت اسلامی بوده و سیاست جنایی اسلام با پدیده احتکار به عنوان یک بزه اقتصادی مانند همه بزه‌های اقتصادی و غیراقتصادی دیگر بر پایه پیشگیری بوده و سعی بر آن بوده که قبل از وقوع فساد، فرد فاسد را از ارتکاب فساد بازدارد و چنانچه اقدامات پیشگیرانه نسبت به افرادی که قصد ارتکاب بزه را دارند مؤثر واقع نشود جهت مقابله با بزهکار، اعمال مجازات مناسب و تنبیه بزهکار و رفع خطری که از ناحیه وی متوجه افراد جامعه است و جبران میزان خسارات وارده به عنوان حربه نهایی مبارزه با فساد در رأس سیاست جنایی قرار دارد. بنابراین چنانچه توصیه‌های اخلاقی برای جلوگیری از احتکار مؤثر واقع نشود، شخص یا اشخاصی که اقدام به احتکار نمایند، باید جامعه واکنش لازم مانند واکنش به همه بزهکاری‌های دیگر را نشان دهد و فرد خاطی را که با انجام اعمال مجرمانه موجبات ضرر به جامعه و اخلال در نظام اقتصادی را فراهم کرده است کیفر نماید.

ج) سیاست جنایی ایران در قبال پول شویی

با توجه به تصویب قانون مبارزه با پول شویی به بررسی سیاست گذاری‌های مقنن در قانون مبارزه با پول شویی پرداخته می‌شود: قانونگذار ایران در قانون مبارزه با پول شویی برای مرتکبین این گونه جرائم پاسخ‌های کیفری ناچیزی در نظر گرفته که نه تنها نوعی پیشگیری کیفری محسوب نمی‌شود و چاره ساز نیست، بلکه ناچیز بودن میزان کیفر موجب ایجاد انگیزه در گسترش پول شویی می‌شود. وفق ماده ۹ قانون مبارزه با پول شویی مرتکبین جرم پول شویی علاوه بر استرداد درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم مشتمل بر اصل و منافع حاصله به جزای نقدی به میزان یک چهارم عواید حاصل از جرم محکوم می‌شوند. (مهدوی پور، ۱۳۹۲، ص ۶۵). همچنین در صورت فقدان اصل و منافع حاصله، به استرداد مثل یا قیمت آن محکوم خواهند شد. همینطور در تبصره یک ماده ۹ مقرر گشته: چنانچه عواید حاصل به اموال دیگری تبدیل یا تغییر یافته باشد، همان اموال ضبط خواهد شد. به نظر می‌رسد اعمال یک چهارم جزای نقدی به عنوان مجازات، مشوق بزرگی برای متخلفان باشد، زیرا در صورت به دام افتادن، پرداخت این مبلغ برای مجرمان رقم بالایی نخواهد بود و تا جایی که مطلوبیت حاصل از فساد بالاتر از جرم باشد، مفسدان در ادامه راهشان مستحکم تر خواهند بود. علاوه بر موارد فوق، تبصره ۳ ماده ۹ مقرر می‌دارد: مرتکبین جرم منشأ، در صورت ارتکاب جرم پول شویی علاوه بر مجازات‌های مقرر مربوط به جرم ارتکابی به مجازات‌های پیش بینی شده در این قانون محکوم خواهند شد. قانونگذار با تدوین این تبصره در مقام بیان این مطلب است که مجازات‌های منشأ جرائم ارتکابی مانند قاچاق کالا و ارز، قاچاق مواد مخدر، اختلاس، ارتشاء و... همچنان به قوت خود باقی است؛ چرا که جرم پول شویی جرمی است مستقل و دارای مجازات مستقل (باقرزاده، ۱۳۸۳، ص ۳۳) مشکل اصلی قانون مبارزه با پول شویی در تعیین نمودن مجازات مرتکبین جرم پول شویی این است که قانونگذار صرفاً به جزای نقدی اشاره کرده و مجازات زندان و سایر مجازات‌های تکمیلی و تبعی را برای این جرم در نظر نگرفته است. بنابراین مقنن بدون اینکه کیفر حبس را به صورت مجازات اصلی اجباری توأم با جزای نقدی معادل یک چهارم ارزش دارایی و منافع حاصل از جرم مقدم در نظر بگیرد، فقط به جزای نقدی به عنوان مجازات اصلی جرم پول شویی بسنده کرده

است، لذا این سیاست گذاری جنایی قانونگذار برای مقابله با جرم پول شویی ناچیز و نامناسب به نظر می‌رسد.

د) سیاست جنایی درقبال کلاهبرداری

جرم کلاهبرداری جرمی است برعلیه اموال و مالکیت که غالباً متضرر اصلی آن فرد یا افرادی محدود و حقیقی است؛ لیکن متضرر جرائم اقتصادی، عموم مردم و منافع دولت است. خصوصاً اینکه برخی معتقدند فساد اقتصادی در اقتصاد کلان و نه آنچه در ذهن‌ها امروز مرسوم گشته است، به خروج سرمایه و سایر عوامل تولید و رونق اقتصادی از کشور و در نتیجه رکود و عقب ماندگی اقتصادی و یا تضییع منابع و فرصت‌های عظیم ملی تعبیر می‌شود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۶، ص ۱۹). ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری عنصر قانونی جرم عام کلاهبرداری است. قانون گذار در کنار جرم کلاهبرداری موارد دیگری را به معنای خاص و به صورت متفرقه پیش بینی کرده است که گاه در ردیف جرم کلاهبرداری و گاه شدیدتر از آنست؛ در واقع این جرائم ذاتاً و از لحاظ موضوع کلاهبرداری نبوده ولی مقنن این قبیل جرائم را از حیث اعمال مجازات در ردیف کلاهبرداری قرار داده است (شامبیاتی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۵). از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.۱- جرم سوء استفاده از ضعف نفس اشخاص، موضوع ماده ۵۹۶ ق.م.آ؛ ۲-ورشکستگی به تقصیر یا تقلب موضوع ماده ۵۴۱ و ۵۴۹ قانون تجارت و مواد ۶۷۰ و ۶۷۲ ق.م.آ؛ ۳- تقلب منجر به کلاهبرداری در شرکت‌های مختلط ۴- تقلب منجر به کلاهبرداری در شرکت‌های سهامی، ماده ۱۸۰ و ۹۲ قانون تجارت،، موضوع ماده ۲۴۹ قانون تجارت؛ ۵- تقلب منجر به کلاهبرداری در شرکت‌های با مسئولیت محدود، موضوع ماده ۱۱۵ قانون تجارت؛ ۶- معامله به قصد فرار از دین موضوع ماده ۴ و ۵ قانون اجرای محکومیت‌های مالی؛ ۷ -انتقال مالِ غیر به واسطهٔ تبانی اشخاص، موضوع ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی و ماده یک قانون تشدید ... است.

ه) سیاست جنایی درقبال اختلاس

رکن قانونی این جرم در نظام حقوقی فعلی ما ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری است که ایرادات وارد بر این ماده به شرح ذیل است: ذکر عبارت نیروهای مسلح در ماده ۵ قانون تشدید... با توجه به قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، موضوعاً منتفی است و اختلاس نظامیان مشمول ماده ۱۱۹ قانون مذکور مصوب ۱۳۸۲ می‌باشد (گلدوزیان، ۱۳۸۲، ص ۴۱۹) جرم اختلاس در نظام حقوقی ایران با توجه به صراحت ماده ۵ قانون تشدید... مختص کارکنان دولت بوده و کارکنان بخش خصوصی را حتی اگر در ارتباط با وظایف عمومی مشغول به فعالیت باشند، نمی‌توان به اتهام اختلاس تحت تعقیب قرار داد؛ با عنایت به قسمت پایانی ماده ۵، تبصره ۲ و ۵ ذیل آن، مبالغ تعیین شده با عنایت به تورم ۹۹/۹ سال‌های پس از تصویب قانون، غیرواقعی به نظر می‌رسد و عملاً می‌توان گفت در بیش از درصد از جرائم ارتکابی حسب مورد براساس تبصره دو یا پنج، به ناچار حداکثر مجازات، ملاک تصمیم گیری قرار خواهد گرفت (محسن پور، ۱۳۹۲، ص ۷۲).

ر) سیاست‌های جنایی درقبال رشاء و ارتشاء

عنصر مادی صور عام این دو جرم را باید در سه ماده ذیل جست وجو کرد: ماده ۳ قانون تشدید...، ماده ۵۹۰ در (مورد جرم رشاء) و ماده ۵۹۲ (در تبیین معنی رشوه) ق.م.آ (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۱، ص ۳۹). لیکن این جرائم نیز دارای صور خاص در قوانین متفرقه هستند که عبارت‌اند از: ۱- رشاء و ارتشاء در مورد داوران، ممیزان و کارشناسان موضوع ماده ۵۸۸ ق.م.آ و ماده ۱۴ و ۹۲ قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷، ۲- تسهیل ارتشاء، موضوع ماده ۵۹۳ ق.م.آ؛ ۳- ثروت‌های ناشی از ارتشاء، موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی و ماده ۳ قانون نحوهٔ اجرای اصل ۴۹؛ ۴- ارتشاء در امر نظام وظیفه، موضوع ماده ۶۰ قانون نظام وظیفه اصلاحی ۱۳۶۸؛ ۵- اخذ رشوه از سوی پزشک برای دادن گواهی خلاف واقع؛ ۶- اخذ کمیسیون و پورسانت و ....

سیاست جنایی درقبال پیشگیری جرائم اقتصادی

سیاست جنایی درقبال پیشگیری جرائم اقتصادی درمحیط داخلی

۱- حفاظت از اسرار تولیدی، تجاری و بازرگانی

حفاظت از اسرار باید موضوع یک دستورالعمل اختصاصی قرار گیرد، به گونه‌ای که آمار تعداد کسانی که دسترسی به این داده‌ها دارند به حداقل ممکن کاهش یابد. با توجه به اینکه عمده این افراد، تحصیلات حقوقی و به ویژه حقوق کیفری ندارند، با تنظیم قراردادی بر تعهد آنان به حفظ و نگهداری این داده‌ها، در حین کار و نیز پس از دورهٔ کاری، تصریح و قید شود، انتشار این داده‌ها به غیر، موجب مسئولیت کیفری و نیز حقوقی خواهد شد.

۲- استخدام نیروی انسانی

استخدام نیروی انسانی یکی از کلیدی‌ترین تدابیر پیشگیرانه و حمایتی شرکت در برابر جرائم اقتصادی است. با بررسی اخبار رسانه‌های نوشتاری به خوبی می‌توان فهمید که عمده متهمین پرونده‌های مجرمانه مختلف مرتبط با شرکت، اعضای اخراج شده یا تنبیه شده شرکت هستند. لذا در هنگام استخدام باید بررسی دقیقی از گذشته حرفه‌ای و پیشینه متقاضی صورت پذیرد (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۴۵).

۳- تغییر دوره‌ای پست برخی از افراد

تغییر دوره‌ای پست در یک شرکت هم مفید و هم ضروری است. در واقع این به معنای بی اعتمادی به کارکنان نیست و در اهمیت نقش اعتماد در کارآمدی کارکنان نیز تردید نیست لیکن این اعتماد باید به نحو زیرکانه‌ای محدود شود (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۴۹)

۴- نظام‌مندکردن مدیریت واحد

ایجاد انگیزه برای نیروی انسانی شرکت به عنوان منبع سرمایه و نیز اتخاذ تدابیر لازم جهت

پیشگیری از انجام فعالیت‌هایی که به مدیون و در نهایت ورشکسته شدن شرکت می‌انجامد، جهت تضمین حفظ سرمایه اولیه و نیز پیش بینی اقدامات لازم برای زمان مقروض شدن احتمالی، از عهده یک مدیریت نظام‌مند برمی‌آید. البته برخی از این اقدامات مانند ممنوعیت انعقاد برخی قراردادها در هر شرایط یا اعطای تسهیلات با ریسک بالا توسط شرکت یا بانکی که سرمایه کافی ندارد در قانون پیش بینی شده است (دانشورثانی، ۱۳۸۲، ص ۷۸).

۵- تشکیل شبکه‌های نظارتی در تمامی نهادها و ارگان‌های دولتی و همچنین نظارت بر نقل و انتقالات ارزی و ریالی بانک

سیاست جنایی درقبال پیشگیری جرائم اقتصادی درمحیط خارجی

۱- تحقیق درباره طرف‌های معامله

واحدهای مختلف شرکت که مسئول معاملات و رابط بیرون از شرکت هستند باید اطلاعات لازم را در خصوص طرف‌های تجاری که قرار است در آینده قراردادی با آ نها منعقد یا خدماتی ارائه شود استخراج کنند. اطلاعاتی در زمینه میزان تقید آن شرکت به رعایت اخلاق حرفه‌ای در محیط کسب و کار، بانکی که مهم‌ترین حساب‌های آنان در آنجا فعال است، بحران‌هایی که آن شرکت ممکن است در آینده با آن مواجه شود.

۲- حفاظت از شبکه‌های رایانه‌ای

امروزه این نوع حمایت نه تنها مفید، بلکه لازم است. در اینجا مجموعه‌ای از تدابیر حمایتی که شامل رفتار کاربران و رمزگذاری نیز می‌شود مدنظر است. در واقع این سیستم را نباید صرفاً به رمزگذاری و نصب نرم افزارهای ضد ویروس بسنده کرد، بلکه باید تعلیمات لازم به کاربران در زمینه چگونگی حفاظت از سیستم، چه به صورت فنی و چه نرم افزاری مانند معدوم نمودن قطعات غیرضرور و تخریب شده، ارائه شود.

۳- رعایت هنجارها و مقررات کنوانسیون‌های بین المللی مرتبط

رعایت مقررات کنوانسیون‌های بین المللی مانند کنوانسیون بین‌المللی سازمان ملل برای مبارزه با فساد، مشهور به کنوانسیون مریدا، مصوب ۲۰۰۳، کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی مصوب سال ۲۰۰۰، و نیز کنوانسیون‌های مربوط به حمایت از محیط زیست نه تنها به تضمین حسن کارکرد بازار و حمایت از محیط زیست می‌انجامد، بلکه در عمل اقدامی پیشگیرانه برای خود شرکت در برابر تعرضات احتمالی یا فعالیت‌های مجرمانه مانند ارتشا، تأسیس شرکت‌های واهی، جرائم سازمان یافته محسوب خواهد شد زیرا شیوه رفتار و فعالیت شرکت با توجه به انتشار این خصوصیات، می‌تواند بسته به شرایط، شرکت را از تعرضات احتمالی مصون نگه داشته یا آن را در معرض سیل و آماج حملات مجرمانه قرار دهد.

۴- تشکیل شبکه نظارتی بر مبادلات ارزی و قراردادهای بین المللی به صورت مستمر جهت جلوگیری از جرائمی مثل اختلاس و پولشویی.

نتیجه گیری

حقوق اقتصادی، برمبنای نیازهای جدید و با توجه به کاربرد قواعد حقوقی شکل گرفته است. این رشته حقوقی از مجموعه قواعد و عرف‌های حقوقی، ساختارها، تشریفات، نهادها و روش‌هایی تشکیل یافته که پاسخگوی افزایش قابل ملاحظه نفوذ سیستم اقتصادی در جوامع امروزی است. حقوق اقتصادی، با به کارگیری اصول و قواعد حقوقی، زمینه قانونمند شدن موضوعات مهم اقتصادی نظیر قیمت کالا و خدمات، سرمایه‌گذاری خارجی، ارز، دستمزد، صادرات و واردات، بانک، بیمه، اوراق بهادار، اعتبار، مالیات‌ها، رقابت، تولید، توزیع، مصرف و بسیاری از عناوین دیگر اقتصادی را فراهم می‌سازد. حقوق اقتصادی، در بسیاری از موارد آمرانه و مداخله جو است. این رشته حقوقی، با تمایل به وضع قواعدآمرانه، با نظم عمومی ارتباطی نزدیک داشته و قواعد آن در بسیاری از موارد دارای اوصاف قواعد حوزه حقوق عمومی است. حقوق اقتصادی، تنظیم کننده‌تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات است. حقوق اقتصادی، به کمک دولت (حاکمیت) و به همراه ابتکارات بخش خصوصی با سازمان بخشیدن به جامعه، اداره کننده زندگی اقتصادی و به خصوص تولید و گردش ثروت است. ایجاد تعادل در حوزه‌های تولید، توزیع، مبادلات و مصرف، نقطه اشتراک قابل توجه حقوق و اقتصاد است. نظام حقوقی به کمک حقوق اقتصادی پدیده‌های جدید اقتصادی را درک کرده و ضمن نظم بخشیدن به روابط در این زمینه، سعی بر ایجاد تعادل در روابط اقتصادی دارد. با این نگاه، حقوق اقتصادی، عامل ایجاد نظم و تعادل در امور حقوقی و سیاست اقتصادی خواهد بود. جرائم اقتصادی یکی از آسیب‌های مهمی است که امنیت اقتصادی کشورها را مورد تهدید قرار می‌دهد. جرائم اقتصادی با زنجیره‌ای از جرائم دیگر در ارتباط است؛ جرایمی از قبیل ارتشاء، تطهیر درآمدهای نامشروع یا پول‌شویی، جعل اظهار نامه‌های گمرکی یا مالیاتی و در حالت سازمان یافته ایجاد اختلال در نظام اقتصادی که هر یک به نوبه خود قدرت فراوانی در تخریب منافع ملی و سرمایه‌های اجتماعی دارد. پول‌های باد آورده، به هم ریختن توازن اقتصادی، فرار سرمایه و به هم زدن برنامه‌های مدیران و مسئولان برای کنترل سلامت و امنیت اقتصادی و ... وجه مشترک همه انواع جرائم اقتصادی است. به همین دلیل در سرتاسر دنیا، دولت‌ها در صدد شناسایی علل و عوامل واقعی وقوع جرائم اقتصادی بوده تا با وضع مقرراتی در این زمینه، به حمایت از نظم و امنیت اقتصادی برخیزند. جرائم اقتصادی ارتباط تنگاتنگ با نوع سیاست جنایی حاکم و نوع آن دارد، چنانکه اشکال بزهکاری مرتبط با چرخه‌های مختلف نظام اقتصادی (تولید، توزیع، حمل و نقل و ...) و فضای کسب وکار بر اساس نوع نظام سیاسی- اقتصادی حاکم تغییر پیدا می‌کند.

❐ پیشنهادات:

۱- بازنگری در سیاست جنایی فعلی و سنگین‌تر کردن وزنه اقدامات غیرکیفری و اعمال مدیریت صحیح بر منابع مالی و اقتصادی جامعه؛

۲- با بازنگری و برخورد اصولی و قاعده‌مند و قاطع با مفسدین اقتصادی در سایه داشتن قوانین به روز و کارشناسی شده، جامعه را از گزند این مجرمین خطرناک برحذر داشت؛

۳- تصمیم‌گیری با اخذ نظرات خبرگان، کارشناسان و استادان حقوقی کشور در تنظیم و تصویب قوانین و مقررات مرتبط با جرائم اقتصادی مورد توجه جدی قرار گیرد؛

۴- کم کردن اقتدار قوانین به واسطهٔ دخالت سایر مراجع (غیر از مجلس شورای اسلامی) در فرآیند قانون گذاری

۵- مصادیق جرائم اقتصادی مانند اختلاس، ارتشاء و... برابر کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل به بخش خصوصی تسری یابد؛

۶- قوانین متروک و غیرقابل اجرا و قوانینی که توسط مجمع و خارج از اختیارات و ضوابط قانونی تصویب شده‌اند نسخ و با قوانین به روز و مصوب مجلس جایگزین شود؛

۷- جرم اقتصادی تعریف و مصادیق آن تبیین و ابهامات موجود مرتفع شود؛

۸- قوانین موجود بر اساس نیاز روز جامعه و توسعه روزافزون جرائم براساس یک سیاست کیفری افتراقی متناسب با آثار و ابعاد مفاسد اقتصادی اصلاح شود؛

۹- با تشکیل شبکه نظارت برکلیه مبادلات ریالی و ارزی بانک‌ها و قراردادهای بین المللی و یا بین دولی، نظارت مستمر صورت گیرد تا سبب کاهش جرائمی مثل اختلاس و پولشویی و رشاء و ارتشاء گردد.

❐ منابع و مآخذ:

الف: کتب

۱. اردبیلی، محمد علی. (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران: میزان.

۲. باقرزاده، احد. (۱۳۸۳). جرائم اقتصادی و پول شویی، تهران، انتشارت مجد.

۳. پردال، ژان. (۱۳۸۱). تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: انتشارات سمت.

۴. تسلیمی، محمد. (۱۳۸۶). تحلیل فرآیندی خط مشی گذاری و تصمیم گیری، تهران، سمت.

۵. حسینی، سید محمد. (۱۳۸۶). سیاست جنایی (مفاهیم – مدل‌ها) مجله کانون وکلای دادگستری، شماره ۱۱، تابستان.

۶. حسینی، سید محمد. (۱۳۸۳). سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.

۷. دانش، تاج زمان. (۱۳۷۲). حقوق زندانیان و علم زندان‌ها، چاپ دوم.

۸. ساکی، محمدرضا. (۱۳۹۱). حقوق کیفری اقتصادی، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل جاودانه.

۹. شامبیاتی، هوشنگ. (۱۳۷۶). حقوق کیفری اختصاصی، انتشارات ژوبین.

۱۰. طیاری، آذربانو. (۱۳۸۰). سیاست جنایی ایران در زمینه مواد مخدر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، مجتمع آموزش عالی قم.

۱۱. قیاسی، جلال الدین. (۱۳۸۵). مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ نخست.

۱۲. گسن، رمون. (۱۳۸۸). تحولات سیاست جنایی دموکراسی‌های غربی: مطالعه سیاست جنایی فرانسه. ترجمه شهرام ابراهیمی، در تازه‌های علوم جنایی، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد ۱، تهران: نشر میزان.

۱۳. گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۶). حقوق جزای اختصاصی. چاپ سیزدهم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

۱۴. لازرژ، کریستین. (۱۳۸۲). درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، نشر میزان، بهار، چاپ اول.

۱۵. مارتی، می‌ری دلماس. (۱۳۸۱). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، نشر میزان، پائیز، چاپ اول، جلد نخست.

۱۶. مهدوی پور، اعظم. (۱۳۹۲). تعقیب و تحقیق جرائم اقتصادی؛ روش‌ها و ویژگی‌ها. علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، کتاب دوم، تهران: میزان.

۱۷. میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۷۷). تحلیل مبانی حقوق جزا، تهران: نشر میزان.

۱۸. نورزاد، مجتبی. (۱۳۸۹). جرائم اقتصادی در حقوق کیفری ایران. چاپ اول، انتشارات جنگل جاودانه.

۱۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۲). از سیاست کیفری تا سیاست جنایی، دیباچه درآمدی به سیاست جنایی، تهران، نشر میزان، بهار، چاپ اول

ب: مقالات و پایان نامه‌ها

۱. حبیب زاده، محمدجعفر. (۱۳۸۳). آسیب شناسی نظام عدالت کیفری. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و یکم، شماره دوم.

۲. دانشور ثانی، رضا. (۱۳۸۲). جرائم اقتصادی، پایان نامه کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

۳. کریمی، مهدی. (۱۳۸۵). رویکرد حقوق جزا نسبت به مقابله با اخلال در نظام اقتصادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.

۴. محسن پور، مریم. (۱۳۹۲). اختلاس در بخش خصوصی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز واحد بین الملل.

۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۵). تحلیل جرم شناختی جرائم اقتصادی، ماهنامه تعالی حقوق، سال اول، بهمن.

۶. هاشمی شاهرودی، آیت الله سید محمود. (۲۳۸۶). زمینه‌های ساختاری فساد اقتصادی در ایران و راهکارهای مقابله با آن. مجله حقوقی دادگستری، شماره.